

## تمرین جنگ بر ضد ترور، با سلاح چوبی

آیا میتوان با تمرین و استفاده از سلاح چوبی، پولیس ملی ساخت؟



نشست “ بن ”چونانیکه امید ها را بخاطر تامین و تحکیم صلح پایدار، دموکراسی، عدالت اجتماعی، دفاع از حقوق زن، باز سازی و بهسازی کشور در دلها ی تعدادی از مردم ما زنده ساخت، اما سیاسیون افغانستان در همان وهله ی نخست از نا کار آمد بودن آن سخن گفته به ابراز نظر درین خصوص از طریق رسانه ها پرداختند.

اما امروز مثل آفتاب روشن شد که این نشست برنامه های غرض آلودی را نیز به همراه داشته است، طوریکه پیامد های تلخ آن را همه ملت بیچاره ی مان همین اکنون با گوشت و پوست خود لمس میدارند .

کنفرانس بن همانطوریکه توجه ی جهانیان را به خود معطوف ساخته بود، در آستانه ی تدویر از آن، همه فکر میکردند که واقعا“ این کنفرانس مبتکر یک راهکار عملی صلح و ثبات، باز سازی و بهروزی در افغانستان خواهد بود، اما جریان کار کنفرانس نشان داد، که در رویکر های آن، کارزاری از تحقق اهداف پنهانی نهفته است.

کار این همایش که جمله ۲۶ نفر نماینده اصلی و ۴۴ نفر بحیث مشاورین و ناظر و آنهم با مداخلات آشکار و پنهانی تعدادی از حلقه ها و شخصیت ها از تاریخ ۲۷ نومبر ۲۰۰۱ آغاز و الی تاریخ ۵ دسمبر ۲۰۰۱ دوام نمود ،و تعهدات و امیدواری هایی را برای جامعه ی جهانی و مردم افغانستان اعلام داشت.

طوری که محترم آقای وحیداله وحید کارشناس، دیپلمات و استراتژیست منازعات منطقوی طی مصاحبه های مختلف از طریق رسانه های جمعی اظهار کردند که: طراح اصلی برنامه تامین صلح در نشست بن، ایشان بوده اند، بعد از چند سالی اذعان داشتند که هر چند اینجانب طراح برنامه ی بن بودم، اما مطابق طرح پیشنهادی اینجانب کنفرانس عمل نکرد.

آقای وحیداله وحید اشتباه و کمبود اساسی را در کنفرانس بن، عدم اشتراک نماینده ی طالبان دانسته اند. ولی سیاسیونی که بیشترین اوقات زندگی خود را در افغانستان سپری نموده اند و شناخت ژرف و عمیق از افغانستان، کشور های همسایه به خصوص پاکستان، و منطقه داشته اند، به خوبی میدانند که طالبان کاملاً از پاکستان نمایندگی کرده.

و یک نیروی متحجر و متعصب در دست استخبارات نظامی پاکستان (آی.اس. آی) بوده و منطقاً "شرکت نمایندگی ایشان برضد منافع ملی کشور بوده و همچنان برای مردم افغانستان قابل قبول و پذیرش نمی باشد. تا گروه مزدوری را در کنفرانسی مربوط به صلح در افغانستان تحمیل و دعوت نمایند.

چنین به نظر میرسد که گویا اشتباه اساسی درین کنفرانس، فراموشی کلیه عناصر دموکرات، عدالت پسند، مترقی و وطنپرست بوده است که گردانندگان اصلی بر آن توجه ی مبذول نداشته اند.

هزاران کادر سیاسی و تحصیلکرده حکومت پیشین و زمان حکومت دوکتور نجیب الله (که با وجود مداخلات اشکار تقریباً "همه دنیا، یک حاکمیتی با ساختار ها و سیستم منظم بود) به دست فراموشی سپرده شد.

گردانندگان سناریوی "بن چنان فکر میکردند که کرزی برخواسته از بطن طالب و مجاهد که خود هم یک طالب و هم یک مجاهد بوده است، استعداد معامله و سازش رابا تمام گروه های طالب و مجاهد در سراسر افغانستان، به سادگی دارد، که کرزی خواهد توانست همه نیروها را در کنترل داشته و اهداف خارجی ها را در افغانستان و منطقه پیاده کند .

که این خود یک خبط سیاسی بزرگ بود؛ طوری که نتایج آن الان آفتابی شده است.

پاکستان که بازیگر اصلی و حامی طالبان بود همچنان در محراق حوادث افغانستان، نقش اساسی را بازی میکند، باید تعهداتی را در قبال انصراف از حمایت و پشتیبانی طالبان بنیاد گرا به

کنفرانس "بن" می سپرد. که چنین کاری را جامعه بین المللی نکرد و این اشتباه بزرگ دیگری از سناریست های کنفرانس "بن" بشمار میرود.

همانطوریکه علمای روانشناسی ضرورت های اجتماعی را که شمار آن پنج است، در یک جامعه ردیف بندی و مبرمیت آن را در "هرمی" تشخیص داده اند(اول- امنیت، دوم- غذا، سوم- کار، چهارم - تحصیل و پنجم- کلتور و فرهنگ است که بعد از داشته های چهار عنصر اولیه، مردم یک جامعه به آن میرسند)، امنیت در ردیف و شماره نخست قرار داشته است.

متأسفانه چنین تصور میشود که هیچ شخصیتی از جانب افغانی درین نشست تاریخی حضور نداشته است که هوشمندانه، با منطق و ژرف اندیشی در همان موقع نزد خویش تحلیل میکرد و همانجا این سوال را مطرح مینمود که :

چگونه ممکن است کشوری جنگ زده یا فاجعه زده ی چون افغانستان، باموقعیت جیوپولیتیک پیچیده، داشتن جمعیتی حدود ۲۵ میلیون، بدون در نظر داشت و مقایسه ی بیلانس نیروهای امنیتی کشور های همسایه با کمیت و کیفیت بسیار بالا ، موفق به تامین صلح شود؟ اگر کمی دقیق تر به بررسی بگیریم، کنفرانس بن ۵۲ هزار پولیس را برای افغانستان پیشنهاد و در نظر گرفت.

نظر به اظهارات منابع رسمی افغانستان پولیس ۵۲ هزار نفری چه نوع تقسیم وظایف خواهند شد و به چه شکل در خدمت مردم قرار خواهند گرفت.

طوریکه سخنگوی وزارت دفاع افغانستان محترم جنرال عظیمی طی مصاحبه ای با محترم قوی کوشان چنین درد دل نموده اند: «اگر ۸ هزار پولیس سرحدی در مرزها خدمت کنند به هر سه نفر دو کیلومتر مرز میرسد!

باتوجه به این مداخلات کاری ممکن است؟ نه! ۵۲ هزار پولیس برای امنیت افغانستان در نظر گرفته شده، حساب کنید باتوجه به بیش از ۳۶۰ مرکز ولسوالی و ۳۴ ولایت داریم،

اگر یک محاسبه سرانگشتی شما بکنید اگر برای هر ولسوالی ۱۰۰ نفر در نظر بگیریم ۳۶ هزار نفرش تنها به ولسوالی هامیروند، دست کم مرکز افغانستان به ده هزار پولیس نیاز دارد، میماند چهار هزار، اینرا سر ۳۴ ولایت چطور تقسیم میکنید؟».

حالا ما طرح نیروی پولیس را که کمیتش را کنفرانس "بن" تعیین نموده بود دیدیم و شنیدیم، با هیچیک از معیار های علمی، نظامی و امنیتی جور آمد ندارند، چطور ما خواهیم توانست اهداف کنفرانس بن را پیاده نماییم؟

اکنون که از کنفرانس بن تا امروز ده ها کنفرانس بخاطر افغانستان تدویر یافته است، شرایط و اوضاع امنیتی در کشور روز تا روز به سمت بحران میروود. دشمن نیرومند تر از هر وقت دیگر عمل میکند. تو گویی این کنفرانس ها همه تال چالهایی بوده است تا به جای تأمین صلح بی نظمی ایجاد کنند تا کشور را به سوی بحران عمیقی بکشانند.

مدتی است که خارجی ها به اربکی سازی ( که این هم یک بازی است) آغاز کرده اند و آموزش پولیس ملی را طبق گزارش سایت انترنتی الوایسس با سلاح های چوبی آغاز نموده اند که ممکن در تاریخ آموزش پولیس افغانستان بیسابقه بوده باشد.

طبق گزارشات، سخنگوی ناتو چنین “ابتکار” را ناشی از کمبود اسلحه عنوان کرده است. چنین کارکردها برای جهانیان سخت خنده آور یا جالب خواهد بود، ولی برای مردم ما سخت درد آور است. آیا این هم یک بازی تازه خواهد بود؟

مردم افغانستان دیگر ازین بازی های جامعه ی جهانی خسته شده اند، آنها بایست دیگر شفاف و صادقانه به تعهدات خود عمل نمایند. ریشه های تروریزم و بنیاد گرایی که در پاکستان قرار دارد، آنرا در همانجا خشک کنند ، ونیز شبکه های آن را در افغانستان تار و مار کنند. دیگر بازی های دو پهلوی، کمیک و زجر دهنده برای مردم زجر کشیده و بلا کشیده ی مان بس است.

عکسها ی زیر، جریان تمرینات پولیس ملی را همراه با سلاح های “مدرن” تولیدات ناتو نشان میدهد:



روزنامه دیلی میل